

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

فرانکفورت - ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

خیر جاری

خوشبختانه در جمع دوستان خراباتی و مناجاتی من، رفقای باتقوا و پرهیزگار زیادی قرار دارند، که به نمازهای پنجگانه و اشتراک در مساجد و ادای نمازهای جمعه و آرزوی حاجی شدن، صادقانه و خالصانه پابندی نشان می دهند. در سال ۲۰۰۰ع، که هنوز در شهر بن المان زندگانی می کردم، افغان های مقیم فرانکفورت، تصمیم گرفتند تا برای انجام مراسم دینی و مذهبی و فاتحه خوانی ها و گردهمائی های فرهنگی، مسجدی اعمار کنند. با ترتیب محفل باشکوهی، در روز افتتاح، از من هم خواستند تا در روز موعود با اشتراک در محفل، صحبتی نمایم. سروده ذیل در همان روز پیشکش شد، که اینک بعد از شانزده سال از نظر تان می گذرد:

درین محنتسرای حسرت آلود درین تاریکنای تنگ و محدود

که قیر آلوده است و درد اندود ره صلح و صفا بند است و مسدود

عزیزانی، که پاک و باصفایند

در رحمت به مردم می گشایند

حریفان عشقباز و پاکبازند چو شمعی روشن از سوز و گدازند

به شهر بی نمازان در نمازند رواق منیر و محراب سازند

به نیکی بنده پاک خدایند

در رحمت به مردم می گشایند

جهان آماجگاه کفر و کین است برادر با برادر، در کمین است

نظرها جمله تاریک و دوبین است ز هرکس هرچه می جوئی همین است

ولی آنان، که با عشق آشنايند

در رحمت به مردم می گشایند

جهان تا هست، یکسر حرص و آز است کسی در فکر جاه و امتیاز است

یکی در ناز و دیگر در نیاز است سر این قصه هم دور و دراز است

و فـاکیشان به الفت می گرایند

در رحمت به مردم می گشایند

نهاد ما همه در خودپرستی ست ندانم خودپرستی های ما، چیست

نظر تا وا کنی این زندگی نیست درین محنتسرا گر بایدت زیست

ره نیکان گزین، که باصفایند

در رحمت به مردم می گشایند

در میخانه ها، باز است اینجا پر از رمز و پر از راز است اینجا

به بالِ فتنه، پرواز است اینجا ز خود بیرون شدن ساز است اینجا

عزیزان نغمه حق می سرایند

در رحمت به مردم می گشایند

درین جا هرچه می بینی حرام است سخن از بزم عیش و نوش و جام است

همین بی بند و باری سخت عام است ولی جمعی، که هریک نیکنام است

قیام از بهر خدمت می نمایند

در رحمت به مردم می گشایند

به دل، سوز دل پروانه دارند درون سیینه، آتـشخانه دارند

به خود جمعند و با بیگانه دارند دماغ روشن و فرزانه دارند

که شفقت را، به رحمت می فزایند

در رحمت به مردم می گشایند

خدایا! ما مسلمانان، خرابیم به بند کارهای ناصوابیم

اگر مأخوذ و مقهور و خرابیم رخ از درگاه پاکت، برنتابیم

که اینها، بانگ موزون درایند

در رحمت به مردم می گشایند

خدایا! همتی ده، بهر تفکیک که پیش پای ما تنگ است و تاریک

ره وارسـتگی، بسیار باریک به سرمنزل رسیدن، سخت نزدیک

خوشا قومی، که با تصمیم و رایند

در رحمت به مردم می گشایند
خداوندا! به الطاف عمیمت به نام پاک رحمان و رحیمت
ز بزم رحمت و خوان کریمت فرود آور، به انعام نعیمت
به آنان، که خدا را می ستایند
در رحمت به مردم می گشایند
«اسیر»! این دوستان حقیرستند همه سرمست، از جام الستند
به حرف حق، سراپا گوش هستند ز جام باده توحید، مستند
ز دل زنگ کدورت می زدایند
در رحمت به مردم می گشایند

(م. نسیم «اسیر» - ۹ اکتوبر ۲۰۰۰ ع، بن المان)